



علیرضا موت‌الکبر / ایران

تحلیل پدیده «استاد – سلبریتی‌ها»

نسلی که دانشگاه رفت اما دانشگاه را ندید!

چطور کرونا نفس «دانشگاه» را به شماره انداخت؟

دکتر عباس کاظمی

جامعه‌شناس و هیات علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

■ شکل‌هایی که دانشگاه بعد از کرونا به خود می‌گیرد از پرسش‌ها و دغدغه‌های جذاب این روزهای فضای علمی و آکادمیک، محسوب می‌شود. در اغلب مقالات و گزارش‌هایی که پیرامون «کرونا و آموزش عالی» نوشته می‌شود، سعی شده تا گمانه‌زنی‌ها را جبه به اشکال دانشگاه بعد از کرونا، منعکس شود اما کمتر به این سؤال پرداخته شده است که اساساً چه دانشگاه‌هایی پس از کرونا ناپدید شده و نخواهند ماند؟

تأثیر کرونا بر فضای دانشگاهی ما، از یک طرف، دگردیسی در اشکالی از دانشگاه‌های بزرگ و از طرف دیگر، ناپدید شدن اشکالی از دانشگاه‌های کوچک و کمتر کارآمد خواهد بود. خصوصاً برای جامعه دانشگاهی ما که حدود ۲۷۰۰ تا ۲۸۰۰ واحد دانشگاهی را شامل می‌شود؛ این آمار ما را در دسته معدود کشورهایی قرار می‌دهد که دانشگاه‌های زیادی را در خود جای داده است.

بنابراین، یکی می‌توان گفت که کرونا احتمالاً فرایند مرگ بسیاری از دانشگاه‌ها را سرعت بخشیده است اتفاقی که قرار بود به‌دلیل عدم اقبال دانشجویان در دهه‌های پیش‌رو رخ دهد، اما به نظر می‌رسد که پاندمی کرونا آن را سرعت بخشیده است. دانشجویان دوره کارشناسی ارشد ما تقریباً مراحل پایانی تحصیل خود را سپری می‌کنند و دانشجویان دوره کارشناسی هم باید سال سوم باشند و اگر همچنان دانشگاه‌های ما باز نشوند و آنان

که دانشگاه‌ها را نگه می‌داشت محیط، فضا یا به عبارتی «اتمسفر دانشگاه» بود؛ چیزی که ما امروز به‌دلیل آموزش مجازی دست داده‌ایم. در واقع این تعاملات، رفتارها و اساساً «جامعه‌پذیری» که در محیط دانشگاه اتفاق می‌افتاد دانشجویان را تربیت می‌کرد نه کلاس‌های درس!

اتفاقی که با آمدن کرونا رخ داد این بود که ما همه آنچه در فضای دانشگاه کارکرد داشت، حذف کردیم و آن چیزی را که عملاً کارکردی نداشت و به تعبیر درست‌تری، کارکرد خود را از دست داده بود، نگه داشتیم آن هم به شکل کاملاً میندال تبدیل به «کلاس‌های آنلاین» شد. آن چیزی که بر برف‌جرت شدن این فضا می‌افزود، پسند کردن برخی از استادان به ارائه یک فایل صوتی در کلاس‌های آنلاین بود که طی آن، کلاس بدون هیچ پرسش و پاسخی و به شکلی کاملاً یک‌سویه پیش می‌رفت. در چنین وضعیتی آنچه قلب دانشگاه بود، حذف و آنچه بسیار در آن ضعف داشتیم به شکل بی‌کیفیت‌تری در آموزش مجازی ارائه شد.

اما فارغ از مسائلی که کرونا در دانشگاه و جریان آموزش ایجاد کرد، موضوع نگران‌کننده دیگر عدم تمایل برخی از دانشجویان، استادان و کارمندان برای بازگشت به دانشگاه و کلاس‌های درس است. همچنین، به لحاظ روانشناختی

اوج گرفته‌اند؛ استادانی که توانسته‌اند در فضای مجازی خودشان را بالا بکشند، فالوئر جذب کنند و دنبال‌کنندگان‌شان را فراتر از محیط دانشگاه و کلاس درس و جامعه ایران، ارتقا دهند. از طرف دیگر، استادانی هم هستند که با وجود همه تجربه و دانش‌شان نتوانستند در فضای مجازی اثرگذاری سابق‌شان را داشته باشند و به قول حافظ:

سلسله موی دوست حلقه دام بلاست
هر که درین حلقه نیست فارغ ازین ماجراست

بسیاری از استادان تأثیرگذار ما، چون در شبکه‌های مجازی حضور نداشتند، خارج از این ماجرا شدند و صدای‌شان به‌طور کلی خاموش شد.

■ پدیده‌های نوظهور

در دوران آموزش مجازی در دانشگاه‌ها، ظهور پدیده «دانشجو- سلبریتی‌ها» هم نقش مهمی در فرهنگ‌سازی محیط دانشگاهی پیدا کرد. از این رو، باید در فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها به آنان توجه کرد و آنان را به کارشناسان فرهنگی وصل کرد، یا اینکه آنها را به مثابه کارشناسان فرهنگی جدید به رسمیت شناخت. طی فرایند آموزش مجازی فرم فعالیت‌های فرهنگی هم دچار تحول شده‌اند، این فرم‌ها امروز بر یک شیوه آنلاین و مجازی سوار است. در این راستا، کافی است به تعداد رادیو پادکست‌هایی که توسط دانشجویان و فارغ‌التحصیلان تهیه شده، توجه شود.

بنابراین، اگر خیلی هم بدبین نباشیم، شاید بتوان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که آموزش مجازی در دانشگاه‌ها باعث شده تا حیطه تأثیرگذاری دانشگاهیان، دانشجویان و استادان فعال، بسیار وسیع شده و به سطح جامعه برسد؛ اینها جنبه‌های مثبت مجازی شدن جریان آموزش است که نمی‌توان از آنها در کنار اثرات منفی آموزش مجازی چشم پوشید. همانطور که پیش‌تر عنوان کردم حفظ «ارتباط» و ایجاد «پیوند» اولویت نخست ما در محیط‌های دانشگاهی و فعالیت‌های فرهنگی است. ایده‌هایی که در باب فریخته‌شنالاری و شخصیت‌سازی و... ارائه می‌شود همگی امور و دغدغه‌های ارزشمندی است اما ارتباط، پیوند و کمک به این میان بردن انزوای اجتماعی باید بوده‌اند. این در حالی است که بسیاری از اتفاقات مثبتی که در دانشگاه‌ها رخ می‌داد نتیجه همین پیوندها و تعاملات دو سویه بود. «پیوندهای اجتماعی» پدیده بسیار مهمی برای ما جامعه‌شناسان است؛ چراکه این پیوند اجتماعی و فردی که به‌دلیل اشکال اجتماعی را رقم می‌زد که متأسفانه امروز دیگر ظهور و بروز ی ندارد.

دو تحول عمده در گروه‌های مرجع و فرم فعالیت‌های فرهنگی مورد توجه قرار گرفت؛ گروه‌های مرجعی که بر فضای دانشگاهی نفوذ و تأثیر داشتند، امروزه منحل شده‌اند و جایگاه استادان تأثیرگذار تغییر کرده است؛ از طرفی با پدیده «استاد – سلبریتی‌ها» مواجه هستیم که در این دو سال ظهور پاندمی کرونا بسیار



■ دانشجویانی از دل کلاس‌های آنلاین و دانشگاه‌های مجازی فارغ‌التحصیل می‌شوند که دانشگاه، استادان، کارمندان، کارشناسان، همکلاسی‌ها و... را ندیده‌اند. حال باید دید نسلی که دانشگاه آمد و دانشگاه را ندید، چه تصویری از خودش، جامعه و دانشگاه خواهد داشت و با چه مسائلی مواجه خواهد شد؟

■ در آموزش مجازی از طرفی با پدیده «استاد – سلبریتی‌ها» مواجه هستیم که در این دو سال ظهور پاندمی کرونا بسیار اوج گرفته‌اند. استادانی که توانسته‌اند فالوئر جذب کنند و دنبال‌کنندگان‌شان را فراتر از محیط دانشگاه و کلاس درس و جامعه ایران ارتقا دهند. از طرف دیگر، استادانی هم هستند که با وجود همه تجربه و دانش‌شان نتوانستند در فضای مجازی اثرگذاری سابق را داشته باشند و صدای‌شان به‌طور کلی خاموش شد.

■ در مطالعه‌ای که در سال ۹۴ و ۹۵ انجام دادیم، متوجه شدیم که در بخش قابل توجهی از دانشگاه‌های ما بجز دانشگاه‌های مادر، کلاس‌ها کارکرد «اطلاع‌رسانی» ندارند! به همین دلیل، ایده «مرگ دانشگاه» را مطرح کردیم. بر اساس این مطالعه، کلاس‌های درس دیگر مرکزی نداشتند و چیزی که دانشگاه‌ها را نگه می‌داشت محیط، فضا یا به عبارتی «اتمسفر دانشگاه» بود. چیزی که ما امروز به‌دلیل آموزش مجازی از دست داده‌ایم.

و کارشناسان فرهنگی را تربیت کنیم که با این دنیای جدید تعامل کنند. آن چیزی که ما امروز می‌بینیم تازه شروع ماجرا است. پایانش نیست، حتی خودش هم نیست! هنوز آن دنیایی که قرار است بیاید و ما را شگفت‌زده کند، نیامده است. باید نسبت به دنیای Second Life بسیار حساس باشیم. واقعیت این است که عرصه‌های فرهنگی در دنیا، دیگر در اختیار دولت‌ها یا دانشگاه‌ها نیستند، از همین امروز باید توجه‌مان معطوف به کارگزاران فرهنگی جدید، دانشجویان و استادان فعالی که در این عرصه حضور دارند، باشد و با پیوند با این کارگزاران فرهنگی جدید به بازآموزی کارشناسان فرهنگی کمک کنیم. کارشناسان فرهنگی دیگر نمی‌توانند «نبروی آپاراتوس» دستگاه سیاسی باشند، کارشناسان فرهنگی باید حلقه وصل میان جامعه دانشگاهی و ساختارهای اداری دانشگاه باشند.

■ از سواد فرهنگی تا سواد تعاملی

اگر بر سر نقش مهم کارشناسان فرهنگی، در فعالیت‌های فرهنگی به اشتراک‌نظر رسیدیم، باید بپذیریم که این کارشناسان حداقل در زمینه سه نوع سواد، باید بازآموزی شوند:

نخست، «سواد رسانه‌ای» و آشنا شدن با دنیای پر تحول و سیال مجازی است. دوم، سواد تمام‌شدنی نیست. دائماً باید بازآموزی صورت گیرد و این امر مستمر

و نهاد قابل اتکاء در محیط متحول و متغییر زمانه ما می‌تواند، اشکالاتی که بعضاً در نهادهای سنتی وجود دارد را مرتفع کند.

۳ حال این پرسش مطرح می‌شود که چقدر می‌توانیم فرهنگ حاکم بر دانشگاه را پایدار در نظر بگیریم آن هم در شرایطی که آینده چندان برای ما روشن نیست. اگرچه در حدود هفت هشت سال گذشته، تحول جدی در حوزه «مطالعات دانشگاه» بویژه در بحث آینده‌پژوهی صورت گرفته است اما با این حال، یکی از فضاهاهی که در آینده بی‌تردید، متحول خواهد شد، دانشگاه است.

به دنبال تحولات بنیادینی که در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی روی داده است، فرهنگ علم‌یا به تعبیری فرهنگ حرفه‌ای در دانشگاه بویژه در حوزه اخلاق پژوهش، اخلاق آموزش، رابطه استاد و دانشجو و... دچار تحول شده است. برای نمونه فرایگر شدن ویروس کرونا و تبعاتی که بر زیست دانشجویی و دانشگاهی ما داشت، نمونه‌ای از پیش‌بینی ناپذیری آینده این نهاد اجتماعی (دانشگاه) است. یکی از فضاهاهی که به‌طور مستقیم از این پاندمی تأثیر پذیرفت، دانشگاه بود به گونه‌ای که برخی از تحلیلگران دانشگاه

«زندگی» است؛ دو واژه و دو مفهومی که با هم همبستگی بسیاری دارند و آنقدر همبستگی‌شان بالا است که شاید همپوشانی اینها نزدیک به صد درصد میل کند. بر این اساس، دانشگاهی که دانشگاه است که در نظام زندگی که فرهنگ جامعه ساخته است، بتواند نقش و کارکرد خود را ایفا کند. پرسش اصلی اینجا است که دانشگاه فعلی در جامعه ایرانی که در حال ورود به قرن پانزدهم است چقدر می‌تواند به این نیازهای متحول شونده جامعه ایرانی در قرن پانزدهم پاسخ بدهد؟

۲ در بررسی نسبت فرهنگ و دانشگاه، می‌توان «رویکرد حداقلی» یا «رویکرد حداکثری» را مدنظر داشت. بسیاری از بحث‌هایی که در خصوص نسبت بین این دو صورت می‌گیرد، بیشتر از رویکرد حداقلی پیروی می‌کنند؛ گویی دانشگاه جزئی از زندگی افراد جامعه است و نه تمام آن. این در حالی است که باید به دانشگاه «نگاهی حداکثری» داشت و به آن به مثابه «ارزشمندترین سلول اجتماعی» نگریست. طبیعتاً با داشتن چنین رویکردی به دانشگاه، نگاه‌مان به مفهوم زندگی در دانشگاه و مفهوم فرهنگ در دانشگاه نیز نگاهی حداکثری خواهد بود. در این نگاه، دانشگاه به‌عنوان یک سازمان



■ در بررسی نسبت فرهنگ و دانشگاه، می‌توان «رویکرد حداقلی» یا «رویکرد حداکثری» را مدنظر داشت. بسیاری از بحث‌هایی که در خصوص نسبت بین این دو صورت می‌گیرد، بیشتر از رویکرد حداقلی پیروی می‌کنند؛ گویی دانشگاه جزئی از زندگی افراد جامعه است و نه تمام آن. این در حالی است که باید به دانشگاه «نگاهی حداکثری» داشت و به آن به مثابه «ارزشمندترین سلول اجتماعی» نگریست.

ذکر دو نکته ضروری است: نکته نخست، مربوط به زندگی است که داخل دانشگاه جریان دارد. واقعیت این است دانشگاه حداقل برای اهالی آن فراتر از یک محل کار و تحصیل است و یک منش و مسلک بشمار می‌رود؛ مسیری

باشد. آموزش سواد رسانه‌ای را بیشتر از آنها که در فضای مجازی مهارت دارند، باید توقع کرد.

دوم، «سواد فرهنگی» است که طی آن، محتوای تحول و تغییرات فرهنگ که در دانشگاه و محیط جامعه رخ می‌دهد، به کارشناسان فرهنگی انتقال داده می‌شود. در این زمینه، جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان فرهنگی، بسیار می‌توانند اثرگذار باشند.

سوم، «سواد تعاملی» است که در واقع نقطه ضعف کارشناسان فرهنگی ما محسوب می‌شود. واقعیت این است که شیوه تعامل و ارتباط با نسل جدید بسیار با نسل‌های گذشته متفاوت است؛ بسیاری از قوانین و ضوابط پیشین دیگر به کار نمی‌آید و شیوه مواجهه و شیوه ارتباط با نسل جدید دانشجو باید متناسب با شناخت نسبت به این نسل صورت گیرد.

* مکتوب حاضر، متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی دکتر عباس کاظمی

است که با عنوان «کرونا و فعالیت‌های بدیل فرهنگی و اجتماعی دانشجویان» در همایش «آموزش عالی در دوران کرونا و پساکرونا» ارائه شد. این همایش به همت مؤسسه

مطالعات فرهنگی و اجتماعی و با همکاری معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به‌صورت مجازی برگزار شد.

مقابل کرونا را از دانشگاه پاسکرونا متمایز می‌کنند. به نظر می‌رسد که پاندمی کرونا همچنان ادامه‌دار باشد. یکی از بحث‌هایی که در اجلاس امنیتی مونیخ ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ مطرح شد، وجود ویروس‌های بسیار خطرناک در آزمایشگاه‌های کنترل شده بود و در این جلسات عنوان شد که کاملاً محتمل است که این ویروس‌ها، به‌صورت برنامه‌ریزی شده یا غیربرنامه‌ریزی شده روزی به بیرون نشت پیدا کنند. شاید برای نخستین بار است که به چنین صراحتی در استان رسمی در سطوح مدیریتی کشور این مباحث مطرح می‌شود. قبل از این، معمولاً چنین مقلاتی را در فیلم‌های تخیلی می‌دیدیم. به همین دلیل معتمد در مورد آینده دانشگاه و ارتباطی که با فرهنگ پیدا می‌کند، با ابهامات جدی مواجه هستیم و این امر لزوم بحث‌های آینده‌پژوهی در حوزه فرهنگ و دانشگاه را بیش از پیش ضرورت می‌بخشد.

*** مکتوب حاضر، متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی دکتر حسین ساعی است که با عنوان «فرهنگ در جامعه پاسکرونا» به صورت مجازی در اولین همایش ملی «فرهنگ و دانشگاه» ارائه شد.**